



بازخوانی مفهوم ربا در قرآن کریم بر پایه روش معناشناسی ساخت‌گرا

(صفحه ۱۳۵-۱۶۴)

محمد حسن شیرزاد

دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱

محمد حسین شیرزاد^۱

پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

چکیده

در طول تاریخ جهان اسلام، بحث‌های فراوانی پیرامون مفهوم «ربا» میان طیف‌های گوناگونی از اندیشمندان - از جمله مفسران، فقها، و اخیراً اقتصاددانان - دنبال شده، و بالینحال، تلاش چندانی به منظور بازنمودن تصویری واضح از ربای رایج در جامعه عصر نزول با تکیه بر شواهد تاریخی صورت نگرفته است. مطالعه در این باب می‌تواند بستری مساعد برای فهم صحیح موضوع حکم فقهی «ربا» فراهم آورد. در مطالعه پیش رو برای نخستین بار این مفهوم با بهره‌گیری از دانش معناشناسی، و رویکرد معناشناسی ساخت‌گرا کاویده می‌شود. فرضیه بنیادین این مطالعه آن است که در قرآن کریم از دو گونه ربای متفاوت - و نه یک گونه ربا - سخن رفته است که با یکدیگر تفاوت بسیار دارند. آن گونه از ربا که بر پایه دهش از روی میل و خواست درونی شکل گرفته، تحریم نشده، و به‌عکس، نوع دوم که گرفتگی از روی قهر و غلبه است، افزون بر آن که تحریم گردیده، نوعی اعلان جنگ با خدا و رسول او تلقی شده است.

کلید واژه‌ها: حکم فقهی ربا، تاریخ انگاره ربا، تاریخ داد و ستد، سیره نبوی، انسان‌شناسی اقتصادی فرهنگ عصر نزول، رسم مصحف عثمانی، قواعد ارتوگرافی عربی قرآن.

۱. دانشجویان دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع).

درآمد

«ربا» و چالشهای پیرامون آن که همواره در عرصه اقتصاد جوامع اسلامی حضوری جدی داشته، در قرآن کریم نیز یاد شده است. این واژه در مجموع در ۶ آیه قرآن کریم دیده می‌شود. نیمی از این کاربردها متعلق به آیات ۲۷۵-۲۸۱ سوره بقره است که سیاقی منسجم در باب «ربا» را به خود اختصاص می‌دهد. آیات دیگر، در سیاقهایی حضور دارند که موضوع «ربا» در کانون توجه آنها نیست.

باید سیاق آیات ۲۷۵-۲۸۱ سوره بقره را در تضاد با سیاق پیشین آن - که بحثش بر سر انفاق در راه خداست - درک کرد. در حالی که «انفاق» دهشی است افزاینده به مال مردم، «ربا» موجب تصرف ظالمانه بخشی از این مال توسط رباگیرندگان است (برای تصریح بدین معنا، رک: طبرسی، ۲/ ۶۶۹). از همین رو، در این سیاق چنان تهدیدی از جانب خدا به رباخواران روا داشته می‌شود که یافتن مانندی برای آن در قرآن کریم دشوار است (شیخ طوسی، التبیان، ۲/ ۳۵۹؛ موسوی سبزواری، ۴/ ۴۱۶).

از این سیاق منسجم که بگذریم، باید آیه «لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً» (آل عمران / ۱۳۰) را یاد کرد که مسلمانان در آن هم از رباخواری منع شده‌اند. نمونه مشابه، پندی است که البته در چارچوبی متفاوت عرضه شده است؛ آیه «وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رِّبَا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوَ عِنْدَ اللَّهِ...» (روم / ۳۹). در این آیه کوشش بر آن بوده است که از خلال تباین افکندن و ایجاد تضاد میان «ربا» و «زکات»، به واکاوی نیت انسانها از مبادرت به هر یک پرداخته، و بدین‌سان ارزش هر یک نزد خدا نشان داده شود. سرآخر، باید به آیه‌ای دیگر اشاره کرد که در آن ضمن بحث در باره رفتارها و اندیشه‌های نادرست یهودیان، از رباخواری ایشان هم یاد شده است: «وَآخِذْهُمُ الرِّبَا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ» (نساء / ۱۶۱).

طرح مسأله

لحن تهدید آمیز قرآن کریم در نهی از ربا، شناسایی هرچه دقیق‌تر مفهوم «ربا» را به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در محافل علوم اسلامی بدل کرده است. مفسران همواره تلاش داشته‌اند با رویکردی توصیفی در مقام شناسایی این مفهوم برآیند. فقها نیز با رویکردی توصیه‌ای در نفی مصادیق مختلف آن کوشیده‌اند.

الف) مسائل مفسران در تفسیر آیات ربا

در بحث از آیات ربا در سوره بقره، مفسران در تفسیر «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره/ ۲۷۵) اختلاف نظر پیدا کرده‌اند. برخی چنین تهدیدی را حاکی از عذابی در قیامت می‌دانند. بر این اساس، رباگیر در قیامت مانند انسانی که در اثر تماس با جن دیوانه شده است و توانایی حفظ تعادل خویش را ندارد، به پا می‌خیزد (طبرسی، ۲/ ۶۶۹؛ فخر رازی، ۷/ ۷۵).

از نگاه برخی مفسران متأخرتر، مراد از این تشبیه آن است که قوه تشخیص رباخواران به واسطه رباخواری دچار اختلال شده، و در نتیجه، توانایی تمایزگزاری میان امر مستحسن و قبیح ندارند (طباطبایی، ۲/ ۴۱۰؛ فضل الله، ۵/ ۱۳۶). برخی دیگر نیز این آیه را از باب تجسم اعمال دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۲/ ۳۶۶).

فهم دقیق مراد از تعلیلی که در آیه بعد برای این عذاب ذکر می‌شود - «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا» (بقره/ ۲۷۵) - مشکلاتی در پی داشته است. به طبع جا داشته است که حامیان رباخواری در عصر نزول، در مقام دفاع از شیوه خود بگویند که ربا نیز همچون بیع نوعی داد و ستد است. باینحال، خلاف این انتظار از قول آنها نقل می‌شود که «انما البیع مثل الربوا». برخی مفسران در توجیه این شیوه گفته‌اند که گویندگان این سخن، جهت به کرسی‌نشاندن دیدگاه خویش از صنعت بلاغی «تشبیه مقلوب» یاری جسته‌اند؛ بدین سان که با مبالغه و بزرگ‌نمایی، صحت «ربا»، را اصل تلقی کرده، و

«بمع» را نیز بدان تشبیه نموده‌اند (زمخشری، ۱/ ۳۲۰-۳۲۱؛ ابوحیان، ۲/ ۷۰۷). برخی دیگر نیز راز واژگونی این عبارت را در فقره پیشین می‌جویند. از نگاه ایشان، اختلال پیش‌آمده در قوه تشخیص رباخواران که محصول «تَخْبِطِ» شیطان است، آنان را به وارونه دیدن حقایق می‌کشاند (طباطبایی، ۲/ ۴۱۵؛ موسوی سبزواری، ۴/ ۴۲۱).

مفسران مسلمان در بحث از تضادسازی قرآن میان «ربا» و «صدقه» در آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» (بقره/ ۲۷۶) گفته‌اند مراد آن است که خداوند برخلاف پندار عموم مردم، از ربا می‌کاهد و در برابر، موجبات نمو صدقه را پدید می‌آورد (ابوحیان، ۲/ ۷۰۹-۷۱۰؛ مراغی، ۳/ ۶۵). در بحث از آیه «اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا» (بقره/ ۲۷۸) نیز گفته‌اند که طبق مفاد این آیه، مؤمنان دیون باقیمانده از «ربا» را باید رها کنند و صرفاً اصل مال خویش را از مدیونان بازپس گیرند (شیخ طوسی، التنبیان، ۲/ ۳۶۵-۳۶۶). سرآخر، عبارات پایانی را متضمن تهدیدی رعب‌آور علیه کسانی دانسته‌اند که با جدی نگرفتن نهی الاهی، به خدا و رسولش اعلان جنگ می‌کنند (زمخشری، ۱/ ۳۲۲؛ بیضاوی، ۱/ ۱۶۳).

به همین ترتیب، گروهی از مفسران در بحث از آیه «لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً» (آل عمران/ ۱۳۰)، ترکیب «أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً» را به معنای «تُضَاعِفُونَ فِي أَمْوَالِكُمْ» دانسته، و در نتیجه آیه را چنین معنا کرده‌اند: «ربا را به منظور چند برابر نمودن ثروت خود نخورید» (شیخ طوسی، التنبیان، ۲/ ۵۸۷؛ طبرسی، ۲/ ۸۳۴). در برابر، بیش‌تر مفسران بیان داشته‌اند که خداوند، از فزونی طلبیهای مکرری نهی کرده که ناشی از به تأخیر انداختن یک سرآمد به سرآمد دیگر است (زمخشری، ۱/ ۴۱۴؛ فخر رازی، ۹/ ۳۶۳).

سرآخر، در بحث از آیه «وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ» (روم/ ۳۹)، گروهی از مفسران گفته‌اند که مراد از «ربا» در این آیه، ربای حرام است و

واژه «الناس» هم به رباخواران اشاره دارد (زمخشری، ۳ / ۴۸۱؛ بیضاوی، ۴ / ۲۰۷؛ ابوحیان، ۸ / ۳۹۳). از آن سو، گروهی دیگر برآنند که «ربا» در این آیه بر ربای حلال دلالت می‌کند و به معنای «هدیه» و «عطیه» ای است که فردی به دیگری می‌دهد، بدان امید که بعدها وی با هدیه‌ای بهتر جبران کند (مراغی، ۲ / ۵۲؛ قطب، ۵ / ۲۷۷۲؛ مکارم شیرازی، ۱۶ / ۴۴۴).

این میان، مفسرانی از امامیه نیز با استناد به روایاتی از اهل بیت (ع) به پذیرش این تفسیر تمایل نشان داده‌اند (رک: قمی، ۲ / ۱۵۹؛ کلینی، ۵ / ۱۴۵؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۷ / ۱۵). مستند برخی مفسران عامی نیز در پذیرش این تفسیر، برخی روایات صحابه و تابعان است (رک: طبری، ۲۰ / ۳۰؛ ابن ابی‌حاتم، ۹ / ۳۰۹۱-۳۰۹۲؛ سیوطی، ۵ / ۱۵۶). شمار اندکی از مفسران شیعه معاصر نیز، مراد از «ربا» را در این آیه مطلق، و شامل هر دو سنخ ربای حرام و حلال دانسته‌اند (مغنیه، ۶ / ۱۴۵؛ صادقی تهرانی، ۲۳ / ۱۹۰).

ب) شواهد مغفول بحث

همان گونه که پیدا است، مفسران قرآن کریم همواره در مسیر فهم هرچه بهتر مفهوم «ربا» بسیار تلاش نموده‌اند. با این همه، به نظر می‌رسد که این عالمان جهت ارائه تصویری شفاف و واضح از ربای رایج در جامعه عصر نزول بر پایه شواهد تاریخی - زبان‌شناختی، گام مؤثری برنداشته‌اند؛ شواهدی که چه بسا تأمل در آنها، برای فهم بهتر بحث مفید باشد.

مروری گذرا بر پیشینه مطالعات تفسیری در باره مفهوم «ربا»، به روشنی بیانگر عدم بذل عنایت کافی مفسران به سیاق آیات، روایات اهل بیت (ع) در تفسیر آیات، و حتی نحوه کاربست این واژه در آیات قرآن کریم است. برای نمونه، مفسران در طول تاریخ هیچ گاه به شیوه‌های گوناگون کاربرد نکره یا معرفه واژه توجه ننموده‌اند. واژه ربا تنها

یک بار و آن هم در آیه ۳۹ سوره روم به صورت نکره، و در همه دیگر موارد کاربردهای قرآنی به صورت معرفه کار بسته شده است.

دستکم جای تأمل داشت که سیاق این مورد متفاوت، چه تمایزاتی با موارد استعمال لفظ مذکور در سیاقهای دیگر آیات مرتبط با بحث ربا دارد، یا مثلاً، تفاسیر اهل بیت (ع)، صحابه و تابعین از این آیه چه فرقی با درک ایشان از دیگر آیه‌های مرتبط با بحث داشته است، یا مثلاً، چرا در رسم مصحف، این واژه گاه «ربا»، و گاهی نیز «ربوا» ضبط شده است. چه بسا با تأمل در تمایز این استعمالات، مفسران به تمایزی میان دو گونه ربا پی می‌بردند که هر یک حکم شرعی متفاوتی داشتند.

پ) رسالت این مطالعه

مطالعه پیش رو، کوششی در ادامه تلاشهای مفسران مسلمان با کاربرد روشهای نوین است. بنا داریم در این مطالعه با تکیه بر دستاوردهای مکتب معنانشناسی ساخت‌گرا گامی فراروی شناسایی مفهوم «ربا» برداریم و در احتمالات پیش‌گفته قدری بازاندیشی کنیم. بناست با غلبه بر فاصله تاریخی مان از فرهنگ و زبان عصر نزول قرآن، به بازسازی مفهوم «ربا» در آن عصر پردازیم. می‌خواهیم بدانیم که: اولاً، استعمالات مختلف واژه ربا در قرآن کریم، چه تمایزی با یکدیگر دارند؛ ثانیاً، واژه ربا در قرآن با چه حوزه‌های معنایی پیوند خورده، و بر پایه دسته‌بندیهای معنانشناسانه، با واژگان هر یک از آن حوزه‌ها، چه نوع ارتباطی برقرار کرده است؛ ثالثاً، بر پایه شواهد معنانشناسانه، چه اندازه محتمل است آیات مختلف ربا در قرآن، بر امکان تحقق اشکال گوناگونی از این پدیده با الزامات اجتماعی، مدلولات فرهنگی، و حکمهای شرعی مختلف دلالت کنند.

از آنجا که بنا داریم برای پاسخ به پرسشهای پیش‌گفته مطالعه‌ای معنانشناسانه را پی گیریم، لازم است نخست با تبیین روش و مبنای نظری خویش، مفاهیم بنیادین این

مطالعه میان‌رشته‌ای را در فضای پژوهش‌های علوم قرآن و حدیث بومی‌سازی کنیم. بر پایه همین ضرورت، در اولین گام تصویری کلی از معناشناسی بازمی‌نماییم؛ تصویری که البته به تناسب نیاز بحث، بیشتر با رویکرد معناشناسان ساخت‌گرا مطابق است. آن گاه بر پایه روش تبیین شده، گام به گام با شواهد قرآنی پیش خواهیم رفت.

۱. معناشناسی ساخت‌گرا، مبنای نظری این مطالعه

معناشناسی، در حال حاضر یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی است که پیدایی آن با اندیشه‌های فردینان دو سوسور^۱ پیوند خورده است؛ همو که از وی چون پدر دانش زبان‌شناسی نوین یاد می‌شود. وی در اثر مشهور خویش *دوره زبان‌شناسی عمومی*^۲ شالوده‌های نظری تازه‌ای جهت بررسی و توصیف زبان فراهم آورد.

الف) رابطه میان ساختار زبان و ساختار ذهن

عمده مطالعات وی بر این پایه استوار شده‌اند که روابط واژه‌ها در هر زبان، بازتاباننده روابط میان آن پدیده‌ها در ذهن کاربران آن زبان است. بدین سان، وی معتقد است با مطالعه ساختار هر زبان، می‌توان به درک ساختار هر فرهنگ، و از نگاهی عام‌تر، به درک ساختار ذهن انسان رسید؛ همان چیزی که رسالت و آرمان همه علوم انسانی است. به همین سبب که مطالعه ساختار زبان و ذهن در آثار وی دغدغه‌ای جدی است، مطالعات وی را ساخت‌گرایانه توصیف می‌کنند (رک: مشکات الدینی، ۶۵).

از مهم‌ترین دستاوردهای سوسور در حوزه مطالعه زبان، کشف پیوند میان همه آن عناصر زبانی است که می‌توانند با همدیگر، عبارات معناداری از نگاه کاربران آن زبان پدید آورند. وی دو گونه رابطه اساسی میان واحدهای زبانی بازمی‌شناسد؛ رابطه

1. Ferdinand de Saussure

2. *Course in General Linguistics*

همنشینی و رابطه جانشینی^۱. ساختار زبان بر پایه همین دو نوع رابطه شکل می‌گیرد. بر پایه تبیین وی، ساختار زبان همچون شبکه‌ای متشکل از محورهای افقی و عمودی فراوان است. هر محور افقی بیانگر حضور مجموعه‌ای از واحدهای زبانی است که کنار یکدیگر و درون یک زنجیره کلامی با هم ترکیب شده‌اند. مثلاً، در جمله «حسن به مدرسه رفت» هر یک از واژه‌های حسن، به، مدرسه، و رفت، از این قابلیت برخوردار بوده‌اند که با واژه‌های مجاورشان همنشین شوند و اگر مثلاً به جای حسن، «دیوار» نهاده می‌شد، جمله صحیح نبود. هر یک از محورهای عمودی نیز، بیانگر مجموعه‌ای از گزینه‌هاست که کاربرد زبان می‌توانسته است هر یکی را به انتخاب خویش استعمال کند و البته از میان این همه، تنها یک گزینه را برگزیده، و بر محور همنشینی جای داده، و دیگر گزینه‌های خود را نادید انگاشته است. مثلاً، در فضای فرهنگ ایرانی معاصر، می‌توانست به جای حسن، حسین، مهشید، معلم، دبیر، یا پاسبان قرار گیرد؛ اما هرگز نمی‌شد کاربر، مثلاً گربه یا هواپیما را نیز همچون انتخابهای محتمل خویش در نظر گیرد.

به طبع، روابط همنشینی و جانشینی واحدهای معنایی در هر زبان با زبان دیگر می‌تواند متفاوت باشد. روابط معنایی، ریشه در فرهنگ و ذهنیت مردمان کاربر هر زبان دارد. بدین سان، کشف این که چه واحدهای معنایی می‌توانند با هم رابطه همنشینی برقرار کنند و کدامها رابطه جانشینی دارند، صرفاً زمانی میسر است که درکی عمیق از ساختار فکری و فرهنگ کاربران آن زبان بیابیم. به ترتیبی مشابه، می‌توان از درک روشمند این روابط معنایی نیز راهی فراسوی شناخت فرهنگ قوم و ساختار فکری ایشان جست (برای تفصیل بحث، رک: سوسور، ۱۷۶؛ پالمر^۲، ۹۴؛ هلیدی^۳، ۳۸).

1. Syntagmatic & Paradigmatic Relations
2. Palmer
3. Halliday

این گونه، پایه‌پای تأسیس علم زبان‌شناسی نوین و در نخستین تلاشها برای توسعه معناشناسی، بحث از روابط معنایی پدید آمد. این بحث تا کنون برای معناشناسان حائز اهمیت شناخته شده است. آنها برای شناخت و تبیین گونه‌های متنوع روابط معنایی کوشش کرده، و شمار قابل توجهی از این روابط را از یکدیگر بازشناخته‌اند (برای مطالعه بیشتر، رک: صفوی، پالمر، سراسر فصل ۴ از هر دو اثر).

ب) انواع مختلف روابط معنایی

چنان که گفتیم، همه واژگانی که می‌توانند با هم روابط جانیشینی یا همنشینی پیدا کنند، شباهتها و سنخیت‌هایی با همدیگر دارند؛ شباهتها و سنخیت‌هایی که جانیشینی هر یک به جای دیگری، یا همنشینی آنها را با همدیگر ممکن کرده است. از آن سو، به طبع هر دو واژه از این قبیل اگر با همدیگر قیاس شوند، برخی تمایزات معنایی نیز دارند. معناشناسان، به هر دو واژه اینچنینی که با یکدیگر قابل قیاس باشند، یک «زوج معنایی» می‌گویند. این زوجهای معنایی انواع مختلفی از ارتباط را با همدیگر دارند.

برخی از این زوجها با هم رابطه «نحوی - معنایی» دارند و برخی دیگر نیز، رابطه «معنایی - معنایی». رابطه «نحوی - معنایی» - که به آن «رابطه مکملی» نیز گفته می‌شود - نوعی از رابطه معنایی میان دو واژه است که در نتیجه ساختار نحوی، میانشان برقرار می‌گردد؛ مثل رابطه مبتدا و خبر، فعل و فاعل، یا فعل و مفعول در محور همنشینی. از آن سو، رابطه «معنایی - معنایی» به نوعی از رابطه میان دو واژه گفته می‌شود که نه در اثر ساختار نحوی، که صرفاً بر پایه معنایی که در متن از آنها فهمیده می‌شود، برقرار گردد.

رابطه معنایی - معنایی خود هم اقسامی دارد؛ رابطه اشتدادی، رابطه تقابلی، و رابطه توزیعی. رابطه اشتدادی آن است که دو مفهوم، یکدیگر را تقویت کنند. مثلاً، در تعبیر قرآنی «نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (انفال / ۴۰)، مولی و نصیر با هم رابطه اشتدادی دارند.

در رابطه تقابلی، دو مفهوم در مقام تضعیف یکدیگر برمی آیند؛ مثل تعبیر «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ» (ملک / ۲)، که در آن موت و حیات چنین رابطه‌ای دارند. سرآخر، رابطه توزیعی نیز پیوند میان دو مفهوم است که در عین اشتراکشان در یک معنا - یا به قول معناشناسان، تعلقشان به یک حوزه معنایی - قلمروهای متمایزی از هم دارند. برای نمونه، می‌توان به روابط معنایی میان جهات مختلف جغرافیایی، رنگها و نظایر اینها اشاره کرد؛ همچنان که در آیه «أَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ...» (نساء / ۱۶۳)، نام پیامبران مختلف رابطه توزیعی با هم دارد.

پ) بازشناسی روابط معنایی نامعلوم بر اساس روابط معلوم

اکنون باید راهی بیابیم که با کاربست آن، بتوان روابط معنایی نامعلوم در یک عبارت را کشف کرد. می‌توان بدین منظور، از شیوه‌ای بهره جست که نخستین بار آن را مانفرد بی‌رویش به کار گرفته (رک: بی‌رویش، ۳۰-۳۱)، پاکتچی نیز در مطالعات خویش برای شناخت نظام‌واره شبکه معنایی قرآن کریم (رک: پاکتچی، سراسر اثر) آن را در حوزه مطالعات قرآنی بومی‌سازی کرده، و از آن پس نیز در مطالعات مختلفی استفاده شده است (برای نمونه، رک: سلمان‌نژاد، شیرزاد، سراسر هر دو اثر).

بر پایه این روش، برای کشف هم‌نشینها و جان‌شینهای یک واحد زبانی، نخست باید موارد کاربرد آن را در متن استخراج کرد. گام دوم، شناسایی واژگانی است که با واژه محوری (واحد زبانی انتخاب شده در گام نخست) هم‌نشین هستند و بر پایه روابط چهارگانه مکملی، اشتدادی، تقابلی و توزیعی در یک زنجیره کلامی کنار واژه محوری قرار گرفته‌اند.

گام سوم، شناسایی واژگانی است که قابلیت جان‌شینی با واژه محوری دارند. برای شناخت این واژگان، بی‌رویش پیشنهاد می‌کند که نخست از میان واژه‌های هم‌نشین با واژه مورد بحث، آنها را که با واژه مورد بحث رابطه مکملی دارند، جدا کنیم. سپس،

بکوشیم آن دسته از واژه‌های هم‌نشین با این قبیل هم‌نشینها را استخراج کنیم که دارای همان رابطهٔ مکملی با هم‌نشینهای واژهٔ محوری باشند که میان خود واژهٔ محوری با آن هم‌نشینها برقرار بود. به بیان دیگر، اگر - مثلا - واژهٔ محوری دارای رابطهٔ مکملی «فعل + فاعل» با واژهٔ هم‌نشین است، واژگانِ جانشین با واژهٔ محوری نیز رابطهٔ مکملی مشابهی با همان واژهٔ هم‌نشین داشته باشند. وقتی توانستیم واژه‌های هم‌نشین و جانشین واژهٔ اصلی، و نوع رابطهٔ هر یک را با واژهٔ اصلی بدانیم، خواهیم توانست مؤلفه‌های معنایی خود واژهٔ اصلی را نیز بهتر بشناسیم.

۲. روابط معنایی واژگان قرآن با «ربا»

برای کاربست روش فوق، نخست باید واژگان هم‌نشین با ربا را در آیات مختلف قرآن کریم بازجست. این واژگان که هر یک با ربا زوجی معنایی تشکیل داده‌اند، و نوع رابطهٔ هر یک با ربا در جدول زیر نمایان شده است:

ردیف	سوره	آیه	واژهٔ ۱	واژهٔ ۲	رابطه
۱	بقره	۲۷۵	يَأْكُلُونَ	الربا	مکملی
۲	بقره	۲۷۵	الْبَيْعِ	الربا	مکملی
۳	بقره	۲۷۵	حَرَمَ	الربا	مکملی
۴	بقره	۲۷۵	الْبَيْعِ	الربا	تقابلی
۵	بقره	۲۷۵	يُمَحِّقُ	الربا	مکملی
۶	بقره	۲۷۶	الربا	الصدقات	تقابلی
۷	بقره	۲۷۸	ذَرَوْا	الربا	مکملی
۸	بقره	۲۷۸	بَقِيَ	الربا	مکملی
۹	آل عمران	۱۳۰	لَا تَأْكُلُوا	الربا	مکملی
۱۰	آل عمران	۱۳۰	الربا	أضعافا مضاعفه	مکملی
۱۱	نساء	۱۶۱	اِخَذَ	الربا	مکملی
۱۲	نساء	۱۶۱	نَهَوَا	عنه (عن الربا)	مکملی
۱۳	نساء	۱۶۱	وَ اِخْذَهُمُ الرِّبَا	وَأَكْلَهُمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ	اشتدادی
۱۴	روم	۳۹	أَتَيْتُمْ	ربا	مکملی

چنانچه گذشت، از میان واژگانِ همنشینِ «ربا»، فقط آنها می‌توانند به کار بازشناسی واژگانِ جانشینِ «ربا» آیند که خود، ارتباطِ مکملی با ربا داشته باشند. اکنون با تحلیل کاربردهای قرآنی آن دسته از واژگان که چنین رابطه‌ای با «ربا» دارند، همنشینهای هر یک را بازخواهیم شناخت.

الف) ماده‌های پربسامد

از میان ماده‌های مورد بحث، ماده «اتی» با ۵۶۷ مورد کاربرد قرآنی، و ماده «اخذ» با ۲۷۳ مورد، پربسامدترین ریشه‌هایی هستند که مشتقاتشان با ربا رابطه همنشینی از نوع مکملی برقرار کرده‌اند.

در سخن از ماده «اتی»، می‌توان کاربردهای این ماده در قرآن کریم را به ۲ دسته کاربردهای ثلاثی مجرد (۲۷۷ مورد) و کاربردهای ثلاثی مزید (۲۷۶ مورد) طبقه‌بندی نمود (رک: عبدالباقی، ۶-۱۵).

صورت ثلاثی مجرد این ماده، ۱۶۴ بار به معنای «آمدن» (همچون «إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابٌ اللَّهُ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ...»، در آیه ۴۰ سوره انعام) و ۱۱۳ بار به همراه حرف جرّ «باء» به معنای متعدی «آوردن» (همچون «فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ»، در آیه ۲۵۸ سوره بقره) به کار رفته است. این ۲۷۷ استعمال نمی‌توانند به شناسایی واژگانِ جانشین «ربا» یاری‌رسان باشند؛ زیرا به ترتیب دلالت بر معنای «آمدن» و «آوردن» دارند؛ حال آن که مشتقات این ریشه در معنای «دادن» با ربا همنشین شده‌اند (آیه ۳۰ سوره روم). صورت ثلاثی مزید این ماده که با ساخت «آتی / یؤتی»، ۲۷۶ بار در قرآن کریم به کار رفته است، می‌تواند در تشخیص واژگانِ جانشین «ربا» یاری‌رساند. البته از این میان هم تنها واژگانی در کنار «ربا» می‌توانند یک پارادایم معنایی مشترک را شکل دهند که دلالت بر گونه‌ای از جابجایی ثروت داشته باشند. بنابراین ۲۲۷ کاربرد دیگر نیز (همچون «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ» در آیه ۲۶۹ سوره بقره) نمی‌توانند کمکی در

راستای شناسایی واژگان جانشین «ربا» نمایند. باری، در جدول زیر تمامی آیاتی که می‌توانند به کشف واژگان جانشین «ربا» یاری رسانند، ذکر شده است.

ردیف	واژه ۱	واژه ۲	رابطه	سوره
۱	ایتاء	مال	مکملی	بقره / ۱۷۷؛ نساء / ۲؛ لیل / ۱۸
۲	ایتاء	صدقات	مکملی	بقره / ۲۷۱؛ نساء / ۴
۳	ایتاء	حق	مکملی	انعام / ۱۴۱؛ اِسراء / ۲۶؛ روم / ۳۸
۴	ایتاء	أجر	مکملی	نساء / ۲۴-۲۵؛ مائده / ۵؛ احزاب / ۵۰؛ ممتحنه / ۱۰؛ طلاق / ۶
۵	ایتاء	زکات	مکملی	در ۲۷ آیه مختلف

به ترتیبی مشابه، ۲۷۳ مورد کاربرد قرآنی ماده «اخذ» را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی نمود (عبدالباقی، ۲۱-۲۵). یک دسته، موارد کاربرد آن به صورت ثلاثی مزید است. از این موارد، ماده «اخذ» ۹ بار در صیغه «اخذ / یؤخذ» (به معنای «بازخواست نمودن») و ۱۲۸ بار در صیغه «اتَّخَذَ / يَتَّخِذُ» به عنوان یکی از افعال تحویل به کار رفته است. روشن است که ساخت موجود در این کاربردها همخوانی با ساخت موجود در آیه «وَآخِذْهُمْ الرَّبُّوا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ» (نساء / ۱۶۱) ندارد؛ زیرا اولاً، «اخذ / اتَّخَذَ» از لحاظ ساخت صرفی متفاوت با «اخذ» است؛ و ثانیاً، معنایی که هر یک از این دو ساخت صرفی بر آن دلالت می‌نمایند، متفاوت از معنای «اخذ / یاخذ» است.

ردیف	سوره	آیه	واژه ۱	واژه ۲	رابطه
۱	بقره	۴۸	اخذ	عدل	مکملی
۲	توبه	۱۰۳-۱۰۴	اخذ	صدقه	مکملی
۳	حدید	۱۵	اخذ	فدیه	مکملی

دسته دوم، ۱۶۳ مورد کاربردهای ثلاثی مجرد ماده «اخذ» است که دارای ساختی مشابه با ساخت کاربرد موجود در آیه ۱۶۱ سوره نساء است. البته، با وجود این تشابه ساخت، نمی‌توان از طریق مطالعه هم‌نشینی‌هایشان به شناسایی جانشینان واژه «ربا» دست یازید؛ زیرا جز در موارد معدودی که در جدول بالا مشاهده می‌شود، هیچ یک از آنها ارتباطی با حوزه معنایی تعاملات اقتصادی ندارند و در نتیجه، نمی‌تواند یک حوزه

معنایی مشترک با «ربا» را شکل دهند.

اندک دقتی در این آیات روشن می‌کند که نمی‌توان از خلال آنها نیز جانشینهای «ربا» را شناسایی نمود. آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره توبه «صدقه» را به مثابه یک پرداخت مالی بازمی‌نمایند که رهبر حکومت اسلامی آن را از مردمان می‌ستانند. بنابراین، هیچ سنخیتی میان «ربا» - همچون یک تعامل اقتصادی میان عموم انسانها - با «صدقه» به مثابه یک تعامل اقتصادی میان مردم و حکومت وجود ندارد. افزون بر این، «ربا» گونه‌ای از جابه‌جایی ثروت است که خداوند متعال، اخذ آن از مردم را به شدت منع نموده است. این در حالی است که نه تنها پیامبر از اخذ صدقات بازداشته نمی‌شود؛ که بدان مأمور نیز می‌گردد (رک: توبه/ ۱۰۳).

«فدیه» و «عدل» نیز، گرچه همانند «ربا» موجبات جابجایی ثروت را فراهم می‌آورند، کارکردهایی متفاوت با آن دارند. «فدیه» و «عدل» جریمه‌هایی هستند که بر فرد خاطی در پی زیر پا گذاشتن یک قانون یا آسیب رساندن به دیگران تحمیل می‌شوند. پس هیچ سنخیتی میان «فدیه» و «عدل» با «ربا» وجود ندارد و نمی‌توانشان با همدیگر درون یک حوزه معنایی جای داد.

مشتقات ثلاثی مجرد ماده اخذ در معنای دیگری نیز به کار می‌روند. گاه ماده «اخذ» در کاربرد ثلاثی مجرد معنای ضمنی^۱ «قهر» و «غلبه» را با خود حمل می‌کند. به بیان دیگر، فاعل صیغه «اخذ/ یاخذ» کنش خویش را از سر قهر و چیرگی بر مفعولش اعمال می‌کند. این معنای ضمنی را می‌توان در بسیاری از آیات مشاهده کرد؛ مثلاً، آیه «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعُدُّوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ» (نساء/ ۸۹). از جمله این قبیل کاربردها، حدود ۶۰ مرتبه کاربرد ریشه را در معنای مجازات کردن باید یاد کرد که به روشنی وجود معنای پیرامونی قهر و غلبه در این ماده را در زبان عربی عصر نزول نشان می‌دهند. برای

نمونه، در آیه «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (اعراف / ۱۳۰)، مادهٔ اخذ چنین معنایی را دربر دارد. به نظر می‌رسد کاربرد مادهٔ اخذ در این معنا، بتواند با ربا یک حوزهٔ معنایی تشکیل بدهد.

ب) ماده‌هایی با بسامد کمتر

برخی دیگر از ریشه‌ها که مشتقاتشان با ربا رابطهٔ همنشینی از نوع مکملی پیدا کرده‌اند، بسامدی به نسبت کمتر در قرآن کریم دارند. اینها عبارتند از: ریشهٔ «اکل» با ۱۰۹، ریشهٔ «حرم» با ۸۳، و ریشهٔ «نهی» با ۵۶ مورد کاربرد قرآنی. در سخن از مادهٔ «اکل»، نخست باید گفت که می‌توان کاربردهای قرآنی آن را به دو دستهٔ کاربردهای اسمی (۱۲ مورد) و کاربردهای فعلی (۹۷ مورد) دسته‌بندی نمود (رک: عبدالباقی، ۴۵-۴۶). کاربرد اسمی ماده، خودشان بر دو قسمند. یک قسم از کاربردهای اسمی این ماده، جامدند و دستهٔ دیگر، شبه فعل (مصدر و یا مشتق). از میان این همه، تنها ساختهای گونهٔ اخیر می‌توانند به تشخیص جانشینهای «ربا» یاری رسانند؛ چه، کاربردهای جامد، به دلیل عدم مشابهت ساختاری با آیات ۲۷۵ سورهٔ بقره و ۱۳۰ سورهٔ آل عمران کمکی نمی‌توانند جهت یافتن واژگان جانشین «ربا» کنند؛ اما از آنجا که ساختهای مشتق می‌توانند همچون فعل عمل نمایند، برای تشخیص جانشینهای «ربا» مفیدند.

و اما در سخن از کاربرد فعلی این ماده «اکل» نیز باید گفت که آنها را می‌توان به سه دسته تفکیک نمود. یک دسته، کاربردهای آن بدون مفعول به و حرف جار «من» است که ۲۲ مورد را دربر می‌گیرد. دستهٔ دیگر، ۴۲ مورد از کاربردهای فعلی ما را شامل می‌شود که در آنها نیز مفعولی برای فعل ذکر نشده، اما حرف جار «من» چنان به کار رفته است که بر منیع و مصدری دلالت کند که خوراکیها از وی رسیده است (مثلاً، آیهٔ ۶۰ سورهٔ بقره - کُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ - که در آن توضیح خاصی داده نمی‌شود

چه چیزی خورده شده است؛ بلکه بیشتر، تأکید بر مسئله انتساب این رزق به خداست). هیچ یک از این دو سنخ ساختهای فعلی نمی‌توانند به کار شناسایی واژگان جانشین «ربا» آیند؛ زیرا در گروه اول - خلاف آن آیات که در آنها ربا و اکل همنشین شده بودند - هیچ مفعولی وجود ندارد که ظرفیت جانشینی «ربا» را داشته باشد؛ همچنان که در دسته دوم نیز، به منبع و مصدر خوراکی و نه یک شیء مأكول (همچون ربا) ارجاع صورت می‌گیرد.

خلاف این دو سنخ، دسته سومی نیز هست که می‌تواند به شناسایی واژگان جانشین ربا یاری رساند؛ ۳۳ مورد کاربردهای ماده «اکل» در ساخت فعلی که با مفعول به همراه گردیده است. از میان این دسته، آیاتی همچون «هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا» (نحل / ۱۴) از محل بحث خارج می‌شوند؛ زیرا این آیات - خلاف دو مورد استعمال اکل در همنشینی با ربا (بقره / ۲۷۵؛ آل عمران / ۱۳۰) که به وضوح در آنها سخن از اکلی مذموم رفته است - اشاره به موارد مباح اکل دارند. از میان اشارات قرآنی به اکل چیزی مذموم نیز، باید برخی را کنار نهاد؛ آنها که مفعول به فعلشان فعالیت اقتصادی را دربر نمی‌گیرد؛ مثل «أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (حجرات / ۱۲). سرآخر، مواردی باقی می‌مانند که در آنها مفعول به بتواند با «ربا» به مثابه فعالیت اقتصادی، حوزه معنایی واحدی را شکل دهد و بدین سان، هر دو درون یک پارادیم معنایی قرار گیرند. این قبیل موارد را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد.

ردیف	واژه ۱	واژه ۲	رابطه	سوره
۱	أَكَلَ	أَمْوَالِ النَّاسِ / الْيَتَامَى بِالْبَاطِلِ / بِالْإِنِّم	مکملی	بقره / ۱۸۸؛ نساء / ۲، ۶، ۱۰، ۲۹؛ توبه / ۳۴
۲	أَكَلَ	سَحْتٌ	مکملی	مائده / ۴۲، ۶۲، ۶۳

بدین سان، به یک حوزه معنایی دست پیدا می‌کنیم که اعضای آن عبارتند از «ربا»، «سُحْتٌ»، «أَكَلَ أَمْوَالِ الْمُؤْمِنِينَ بِالْبَاطِلِ»، و «أَكَلَ أَمْوَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا».

ماده دیگری که باید از آن سخن گفت، «حرم» است. مشتقات این ماده ۸۳ بار در قرآن کریم به دو صورت اسمی (۴۲ بار) و فعلی (۴۱ بار) استعمال شده‌اند (عبدالباقی، ۲۵۱-۲۵۲). از آنجا که صورتهای اسمی این ماده - همچون «المسجد الحرام» - سنخیتی با ساخت موجود در آیه ۲۷۵ سوره بقره - موردی که در آن مشتقات این ماده با را همنشینی یافته است: «احل الله البيع و حرم الربوا» - ندارند، نمی‌توانند جهت کشف واژگان جانشین «ربا» یاری‌رسان باشند.

صورتهای فعلی این ماده را نیز می‌توان به دو گروه تفکیک نمود. گروه اول ۷ موردی را دربر می‌گیرد که در آنها، فاعل تحریم انسانها - و نه خداوند - هستند؛ انسانهایی که بدون رضایت خدا برخی چیزها را تحریم کرده‌اند. این‌گونه از کاربردها نمی‌توانند زمینه را جهت شناسایی واژگان جانشین «ربا» فراهم سازد. گروه دوم، موارد ۳۴ گانه‌ای است که فاعل تحریم، خداست؛ با شبیه‌ترین ساخت به ساخت موجود در آیه ۲۷۵ سوره بقره. باینحال، از خلال هیچ یک از این ۳۴ مورد نیز نمی‌توان واژگان جانشین «ربا» را شناسایی کرد؛ زیرا هیچ یک از آنها در قلمرو تعاملات اقتصادی قرار ندارند و در نتیجه، نمی‌توانند با «ربا» یک پارادیم معنایی مشترک را شکل دهند.

آخرین ماده از این قبیل، ماده «نهی» است که مشتقات آن در قرآن کریم ۵۶ بار استعمال شده‌اند. این کاربردها را نیز می‌توان به ۲ دسته تفکیک نمود. یک دسته، ۱۷ مورد کاربرد آن در ساختههای فعلی به صورت ثلاثی مزید و در ابواب تفاعل و افتعال است (عبدالباقی، ۸۳۳-۸۳۴). از آنجا که این ساختههای فعلی، مشابهت ساختاری با کیفیت کاربری ماده «نهی» در آیه ۱۶۱ سوره نساء ندارند، کمکی در کشف واژگان جانشین «ربا» نمی‌کنند. توضیح آنکه ساخت فعلی «انتهی / یتتهی» حاصل معنای مطاوعه از ساخت فعلی «نهی / ینهی» است. ساخت فعلی «تتاهی / یتتاهی» نیز معنای نهی دوسویه را افاده می‌کند. این هر دو با ساخت «نهی / ینهی» - که به معنای نهی

یکسویه است - فرق چشم‌گیری دارند.

دسته دوم، کاربردهای فعلی و اسمی ماده به صورت ثلاثی مجرد هستند. این کاربردها ۳۹ مورد را دربر می‌گیرند. می‌توان از میان واژه‌های همنشین این کاربردها - که دارای مشابهت با کاربرد ماده در آیه ۱۶۱ سوره نساء هستند - واژگان جانشین ربا را بازشناخت. با اینحال، باید توجه داشت که تنها جانشینی واژگانی با «ربا» ممکن است که سنخ و ماهیتی همچون آن داشته باشند و بتوانند در کنار ربا یک حوزه معنایی مشترک شکل دهند. بدین سان، از میان همه این کاربردها، تنها واژه همنشین با «نهی» - که اشاره به گونه‌ای از «جابجایی ثروت و مال» دارد - «سحت» است (رک: مائده/ ۶۳). چنان که پیش از این هم دیدیم، واژه سحت جای دیگر نیز با «اکل» همنشین شده بود. می‌توان این همنشینی دوباره را با همنشین واژه ربا، تأییدی بر این دانست که اکل و سحت با هم رابطه جانشینی دارند.

پ) ماده‌هایی با بسامد اندک

مشتقات برخی مواد نیز که با ربا رابطه همنشینی از نوع مکملی برقرار کرده‌اند، بسامدی بسیار کمتر دارند. آنها عبارتند از: «وذر» (با ۴۶ مرتبه تکرار مشتقات)، بیع (۱۵ بار)، بقی (۲۱ بار)، «محق» (۲ بار). ترکیب «اضعافاً مضاعفه» را نیز در الحاق به همین گروه بررسی خواهیم کرد.

ماده «وذر» که ۴۶ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته، طیف گسترده‌ای از امور و اشیاء را همچون مفعول به پذیرفته است. این طیف ۳۱ مورد اشخاص مختلف را دربر می‌گیرد - همچون «أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ» در آیه ۱۲۷ سوره اعراف؛ ۱۰ مورد اشیاء را - همچون «هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا» در آیه ۶۴ سوره اعراف؛ ۴ مرتبه خدایان باطل را - همچون «وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ...» در آیه ۲۳ سوره نوح، و سرآخر، یک مورد نیز تعامل مالی «بیع» را - آیه ۹ سوره جمعه: «فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ»

(رک: عبدالباقی، ۸۵۸-۸۵۹). غیر از مورد اخیر، هیچ یک از موارد فوق ماهیتی مشابه ربا ندارند و نمی‌توانند با آن حوزه معنایی واحدی را شکل دهند. «بیع» در آیه نهم سوره جمعه تنها واژه هم‌نشین ماده «وذر» است که می‌تواند کنار «ربا» قرار گیرد و به همراه «سُحْت» و «أَكَلَ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالظَّلْمِ» یک پارادایم معنایی را شکل دهد. به بیان دیگر، «بیع» که در آیه «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره/ ۲۷۵) رابطه تقابلی با «ربا» دارد، می‌تواند رابطه جانشینی هم با آن داشته باشد و همراه با آن یک حوزه معنایی شکل دهد.

توجه به نکته‌ای هم در این میان ضروری است. چنان که در آیه فوق دیدیم، رابطه تقابلی میان «ربا» و «بیع»، ریشه در تقابل حکم تحریم و احلال میان آن دو دارد. با نظر در آیه ۹ سوره جمعه نیز درمی‌یابیم که تقابل میان یاد خدا و بیع در آن، تقابل با هر جور بیعی نیست؛ بلکه بحث بر سر بیعی است که انسان را از یاد خدا غافل کند؛ چنان که در جای دیگر نیز گفته می‌شود: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» (نور/ ۳۷). بر این پایه، می‌توان حکم کرد آن نوع بیع که رابطه جانشینی با ربا دارد، هر نوع بیعی نیست؛ بلکه بیع «مُلْهِي» است؛ یعنی بیعی که انسان را از یاد خدا غافل کند.

در سخن از موارد «بقی»، «بیع» و «محق» باید گفت که به ترتیب این سه ۲۱، ۱۵، و ۲ بار در قرآن کریم استعمال شده‌اند. از آنجا که بیشتر این کاربردها، ساختی ناهمگون با ساخت آیات ۲۷۵ (مبتدا + خبر)، ۲۷۶ و ۲۷۸ (فعل + مفعول) سوره بقره دارند، نمی‌توانند به کشف جانشینهای «ربا» سود رسانند. توضیح آنکه در برخی از موارد، شاهد کاربرد این سه ماده در آیات قرآن کریم در ساخت «فعل + فاعل» هستیم که شباهتی به ساخت آیات ۲۷۵، ۲۷۶ و ۲۷۸ سوره بقره ندارد. باری، آن دسته از کاربردهای مواد فوق نیز که ساختی همگون با ساخت آیات سه‌گانه ربا در سوره بقره دارند، نمی‌توانند برای شناسایی واژگان جانشین «ربا» یاری‌رسان باشند؛ زیرا هیچ‌گونه

ارتباطی با تعاملات اقتصادی پیدا نکرده‌اند و نمی‌توانند همراه با ربا یک حوزه معنایی مشترک را شکل دهند.

سراخر، در باره ترکیب «أضعافاً مضاعفة» نیز که تنها یک بار (آل عمران / ۱۳۰) در قرآن کریم به کار رفته است، باید گفت که با دیگر ترکیب قرآنی «أضعافاً کثیره» (بقره / ۲۴۵)، تشابه دارد. آیه دربردارنده ترکیب اخیر، «قرض» را در همنشینی با ربا در خود جای داده است. جا دارد پرسید که آیا قرض رابطه جانشینی با ربا دارد و در نتیجه، می‌تواند با آن یک حوزه معنایی مشترک شکل دهد، یا نه. در پاسخ باید گفت گرچه ترکیبهای «أضعافاً مضاعفه» و «أضعافاً کثیره» به ترتیب همنشین «ربا» و «قرض» هستند؛ اما به دلیل تفاوت‌های مهم در ساخت این دو آیه، نمی‌توان قائل به جانشینی میان آنها شد.

توضیح این که آیه ۱۳۰ سوره آل عمران در پی تحذیر مؤمنان از اکل چند برابر ربا است. این در حالی است که در آیه ۲۴۵ سوره بقره، مؤمنان - با وعده جبران چندبرابر - به قرض دادن تشویق می‌شوند. به طبع قرار گرفتن ربا و قرض در یک حوزه معنایی مشترک، ناممکن است؛ چه، اولی کنش اقتصادی مذمومی است؛ اما دومی کنش اقتصادی ممدوحی به شمار می‌رود.

۳. همنشینها و جانشینهای «ربا»

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان به یک ویژگی شایان توجه حوزه معنایی ربا پی برد. آن ویژگی، وجود شکافی آشکار میان همنشینهای ربا از یک سو، و شکاف میان جانشینهای ربا از دیگر سو است. می‌توان با تأمل در این دو سنخ شکاف، مفهوم ربا را بهتر دریافت.

الف) شکاف میان همنشینها

شکاف اساسی میان همنشینهای «ربا» را می‌توان در شکاف میان دو مفهوم «اخذ/ ایتاء» بازدید. از آنجا که در نگاه بدوی تضاد «دادن/ گرفتن» بسیار طبیعی جلوه می‌کند، اکثر مفسران چنین پنداشته‌اند که یک فرد ربا می‌دهد (ما آتیتُم من رباً) و فرد دیگر آن را اخذ می‌نماید (و اخذهم الربوا). رهایی از این نگاه بدوی و روی آوردن به یک نگاه دقیق معناشناختی می‌تواند فهم مناسب‌تری از رابطه میان این دو مفهوم را فراهم آورد. در توضیح باید گفت چنان که پیش‌تر نیز بیان شد، ماده «اخذ» در عصر نزول متضمن معنای پیرامونی «قهر» و «غلبه» بوده است. روشن است که اگر فردی با قهر و غلبه - مثلاً، با ضرب و شتم دیگری - مال وی را بستاند، نمی‌توان گفت که مقهور، مال خود را به قاهر «ایتاء» کرده است. با نظر به این تفاوت قابل ملاحظه میان مفهوم عربی «اخذ» در عصر نزول و مفهوم فارسی «گرفتن» در فارسی معاصر، نباید این دو را به‌سادگی معادل هم پنداشت. در واقع، واژه «گرفتن» تنها بازنمود زبانی کنشی در عالم خارج است؛ حال آن که واژه «اخذ» متضمن معنای پیرامونی قهر و غلبه است؛ معنایی که می‌توانش در تمامی کاربردهای قرآنی واژه «اخذ» بازدید.

افزون بر این، با تحلیل معناشناختی واژه «ایتاء» در زبان عربی عصر نزول می‌توان دریافت که این مفهوم نه در تضاد با مفهوم «اخذ»، که در تضاد با مفهوم «دریافت کردن» است. به بیان دیگر، فاعل ایتاء، کنش خویش را نه از سر قهر و غلبه بر طرف مقابل، که از روی میل انجام می‌دهد و طرف مقابل نیز، تنها نقش دریافت‌کننده دارد و هیچ اجبار و اکراهی بر وی اعمال نمی‌شود.

اکنون بحث ما به نقطه‌ای رسیده است که برای پیشبرد آن، باید از دستاورد مطالعات انسان‌شناسان اقتصادی بهره جست؛ مردم‌شناسانی که در باب «مبادله دهشی»^۱ در

فرهنگهای مختلف مطالعه کرده‌اند. از نگاه ایشان، دَهش یا مبادله از طریق هدیه نوع خاصی از تعامل اقتصادی است که در بقایای بسیاری از فرهنگهای کهن و بدوی دیده می‌شود؛ جوامعی که برخی از آنها هر گونه داد و ستدی غیر از این را قبیح می‌دانسته، و مبادله هدیه‌ای را تنها شیوه بهنجار تبادل کالا می‌شناخته‌اند.

از نگاه این مردم‌شناسان، مبادله هدیه‌ای بر معامله‌ای اطلاق می‌شود که در آن، فرد کالا یا محصول خود را از روی میل و اراده شخصی به دیگری می‌دهد. پس از گذشته مدت زمانی، گیرنده نیز در پاسخ محبت وی، چیزی از جنس همان کالا، یا محصولی دیگر را به دهنده بازپس می‌دهد؛ کالا یا محصولی که از لحاظ ارزش مالی نیز، لزوماً هم‌پایه با آن هدیه نیست. اگر هدیه کالای مصرفی نباشد، به ترتیبی مشابه، فردی که هدیه را دریافت کرد، پس از مدتی که بهره جست، خود آن را به دیگری هدیه می‌دهد. بدین سان، ثروت اجتماعی در میان افراد مختلف دست‌به‌دست می‌شود. هر مبادله دهشی از این قبیل، بر سه رکن استوار است: دادن از روی میل، دریافت طرف مقابل، و بازپس دادن (یان^۱، 246؛ استراثرن و استوارت^۲، 230؛ هونت^۳، 290؛ هدی^۴، 262).

چنان که دیده می‌شود، این مردم‌شناسان اقتصادی میان دو نوع تعامل متمایز دادن/واستاندن، و دادن/دریافت کردن فرق نهاده‌اند. بر این پایه، تقابل میان ایتاء و اخذ را در زبان عربی، نباید معادل با تقابل دادن و گرفتن در فارسی پنداشت. «اخذ» در عصر نزول به دلیل داشتن معنای ضمنی قهر و غلبه در تقابل با «از دست دادن» قرار داشته است؛ نه در تقابل با «دادن». به همین ترتیب، «ایتاء» نیز در عصر نزول در تقابل با «دریافت کردن» بوده است؛ نه در تقابل با «گرفتن».

-
1. Yan
 2. Strathern & Stewart
 3. Hunt
 4. Heady

به بیانی دیگر، نباید گمان برد آنجا که قرآن از «ما آتیتُم مِن رِبَا...» یا «وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا» صحبت می‌کند، به تعاملی دو سویه اشاره دارد که در یک سو، فردی دهنده ربا جای دارد و در سر دیگر، فردی است که با میل خود آن را می‌گیرد. به عکس، از یک سو با ربایی مواجهیم که با میل و خواست درونی داده می‌شود، و از دیگر سو، با کنشگرانی که دیر یا زود باید مقهورانه این ربا را بازپس دهند و اگر به میل خود ندهند، به قهر و غلبه از آنها ستانده خواهد شد. می‌توان برای تمییز آسان این دو گونه ربا، بر گونه اول نام «ربای مؤتی» و بر گونه اخیر، نام «ربای مأخوذ» نهاد. ربای مؤتی، ربایی است که با میل و اختیار داده شود، و ربای مأخوذ، ربایی است که به قهر بستانند.

تا کنون بیان شد که شکافی میان همنشینهای «ربا» دیده می‌شود که ریشه در تقابل دو مفهوم اخذ و ایتاء دارد. اکنون می‌توان با مروری بر آیات، مشخص کنیم که دیگر همنشینهای ربا - مثل اکل، نهی، تحریم، و... - در کنار کدام یک از دو مفهوم اخذ یا ایتاء جای می‌گیرند. این میان، همنشینی اخذ با نهی و رابطه اشتدادی آن با «اکل أموال الناس» در آیه ۱۶۱ سوره نساء، نشان می‌دهد که باید این دو مفهوم را در کنار «ربای مأخوذ» جای داد. همنشینی «اکل» با ترکیب «أضعافا مضاعفه» در آیه ۱۳۰ سوره آل عمران هم نشان دهنده آن است که این ترکیب را نیز در کنار «اخذ» باید نشانند. به همین ترتیب، ارتباط نزدیک معنایی میان «نهی» با «تحریم» و «رها کردن» (وذر) سبب می‌شود حکم کنیم که این دو مفهوم نیز کنار «ربای مأخوذ» قرار دارند.

رها نمودن	أضعافا مضاعفه	تحریم	نهی	اکل	اخذ	همنشینهای «ربا»
					ایتاء	

ب) شکاف میان جانشینها

روشن است که شکاف در همنشینها می‌تواند زمینه دودستگی در جانشینها را نیز

فراهم آورد. بررسی جانشینهای «ربای مأخوذ» و «ربای مؤتی» حکایت از وجود دو حوزه معنایی متضاد در فضای اقتصادی شبه جزیره عربستان عصر ظهور اسلام دارد. یکی از این حوزه‌های معنایی، اعضایی را به دور هم گرد آورده است که همگی دلالت بر گونه‌ای از جابه‌جایی ثروت بر پایه ظلم دارند. در مقابل، حوزه معنایی دوم شامل اعضایی است که همگی ارجاع به گونه‌ای از جابه‌جایی ثروت دارند که طی آن، نه تنها ظلمی رخ نمی‌دهد؛ بلکه گاه افراد از این رهگذر به مطلوب خویش نیز نائل می‌آیند. در جدول زیر، جانشینهای «ربای مأخوذ» و «ربای مؤتی» به تفکیک ارائه می‌گردند.

جانشینهای ربای مؤتی	جانشینهای ربای مأخوذ
زکات	سُحْت
صدقات	بیع مُلهی
ایتاء أموال الیتامی	أکل أموال الیتامی بالاثم
ایتاء حقّ ذی القربی و المسکین و ابن السبیل	أکل أموال الناس بالباطل
أجور	

پ) ربای مؤتی و تعامل هدیه‌ای

تأملی معاشناختی بر همنشینها و جانشینهای ربا حاکی از وجود دو گونه «ربا» - و نه یک «ربا» - در قرآن کریم است. شکاف میان همنشینهای «ربا» که خود را در تقابل میان اخذ و ایتاء نمایان می‌سازد، سبب می‌شود متقاعد شویم «ربای مأخوذ» و «ربای مؤتی» با همدیگر تمایزی بنیادین دارند. به بیان دیگر، می‌بایست میان معنای ربا در آیه ۳۹ سوره روم با معنای آن در دیگر آیات فرق نهاد.

شواهدی بر این تفکیک صحه می‌گذارند. نخست این که بر پایه آیه ۳۹ سوره روم، هدف از ایتاء ربا، فزون کردن مال خویش با قرار دادن آن در مال مردم است. از آن سو، وجود رابطه اشتدادی و جانشینی میان «اخذ ربا» و «أکل أموال الناس»، حاکی از ایجاد نقصان در مال مردم از طریق «اخذ ربا» ست. بر این اساس، «ربای مؤتی» موجب

زیادتی مال مردم، و «ربای مأخوذ» موجب نقصان آن می‌شود.

سیاق آیه ۳۹ سوره روم نیز مؤید همین است. آیه ۳۸ این سوره که با عبارت «فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ» آغاز می‌شود، پرداختن حق خویشاوندان، بینوایان و درراه‌ماندگان را واجب می‌شمرد. سپس با عبارت «ذَلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» به این حقیقت اشاره می‌شود که ایتاء حق، زمانی دهنده‌اش را به مقام فلاح می‌رساند که تنها خداوند - و نه چیز دیگری - را مدنظر خویش قرار دهد. آن‌گاه، در آیه ۳۹، در ادامه بحث از «ایتاء حق»، سخن از «ایتاء ربا» به میان می‌آید که در آن، سخن از نوعی دهش است که رضایت خداوند مد نظر دهنده قرار نگرفته است. در نتیجه، این دهش نزد خداوند ارزشی نخواهد داشت: «فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ».

اکثر مفسران چنین گمان کرده‌اند که این عبارت، بیان همان عبارت «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا» به عبارتی دیگر است (بقره/ ۲۷۶)؛ حال آن‌که با تأمل در ظاهر آیه و سیاق می‌توان دریافت که نوع واکنش نسبت به ربا در این دو عبارت متفاوت است. در عبارت «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا»، خداوند چون کنشگری فعال در مبارزه با ربا شناسانده می‌شود که از سر قهر، می‌خواهد آن را به نابودی کشاند؛ اما در عبارت «فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ»، خدا چون کنشگر معرفی نمی‌شود؛ بلکه تنها بناست بر این تأکید شود که این‌گونه از دهش نزد خدا ارزشی ندارد. شاید بتوان بر این پایه محتمل دانست که مراد از ربای مؤتی، همان چیزی است که انسان‌شناسان اقتصادی به عنوان تعامل اقتصادی هدیه‌ای می‌شناسند.

مؤید این فرضیه، روایاتی است که از طرق شیعیان و عامه در تفسیر آیه ۳۹ سوره روم رسیده است؛ روایاتی که البته از نگاه مفسران هرگز آن قدر جدی تلقی نشده است که مبنای اصلی تفسیر این آیه واقع گردد و جز آنها نیز که گرایش به تفسیر مأثور دارند، حتی کسی به نقلش تمایل نشان نداده است. این قبیل روایات، متعددند و گاه از

ابن عباس و شاگردان مکتب وی چون مجاهد بن جبر، سعید بن جبیر، ضحاک بن مزاحم و محمد بن کعب قرظی (طبری، ۲۰ / ۳۰؛ ابن ابی حاتم، ۹ / ۳۰۹۱-۳۰۹۲؛ سیوطی، ۵ / ۱۵۶)، و گاهی هم از قول امام صادق (ع) نقل شده‌اند (رک: قمی، ۲ / ۱۵۹؛ کلینی، ۵ / ۱۴۵؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۷ / ۱۵). بر پایه این روایات، ربای مورد بحث در این آیه «ربای حلال» است؛ یعنی هدیه‌ای که فردی به دیگری می‌دهد و از خلال آن، طمع دست‌یابی به میزان بیشتری از ثروت دارد.

به طبع، چنین رفتاری البته حرام نیست؛ همچنان که عبارت «فلا یربو عند الله» دلالتی بر تحریم این گونه ربا ندارد. با اینحال، تصریح می‌شود این گونه دادنها مشمول حکم فضیلتی که در آیه پیش‌تر (روم / ۳۸) برای دادن حق نزدیکان و راه‌ماندگان و مساکین ذکر شده بود، نخواهد گردید و چون کوششی در این گونه از دادن برای جلب رضایت خدا صورت نمی‌گیرد، الگوی پیشنهادی خدا برای جابه‌جایی ثروت نیست.

دیگر مؤید این تفسیر از آیه، نکته‌ای است که در مطالعات تفسیر اسلامی کمتر بدان توجه شده، و آن تمایز ربای مذکور در آیه با دیگر آیات از حیث تعریف و تنکیر است. همه موارد کاربرد واژه ربا در قرآن کریم به صورت معرفه است؛ جز کاربردش در سوره روم. به نظر می‌رسد میان کاربرد نکره واژه در این آیه با دیگر کاربردهای آن به همراه حرف تعریف تمایز نهاد. اولی، حاکی از شیوه‌ای کمابیش معمول و البته، کم‌تر شناخته است که نام خاصی هم ندارد و باید با توضیحاتی مفهومی را منتقل کرد؛ اما کاربرد معرفه، حکایت از مشهور بودن مفهوم و قرابتش به ذهن مخاطبان و انصراف ذهنی مخاطبان با شنیدن لفظ بدان می‌کند. می‌توان تمایز این دو کاربرد را بر پایه تمایز میان ربای مؤتی و ربای مأخوذ توجیه کرد.

شاهد دیگر - و مهم‌تر - اختلاف رسم مصحف در نگارش واژه ربا در سوره روم و دیگر موارد کاربرد این واژه است. این واژه تنها در آیه ۳۹ سوره روم به صورت «ربا»

نوشته شده، و در باقی موارد همواره به صورت «ربوا» مکتوب گشته است. چه بسا تفاوت شیوه نگارش این واژه، ریشه در شکاف معنایی موجود میان ربای مؤتی (ربا) و ربای مأخوذ (ربوا) داشته باشد.

نتیجه

در این مطالعه، با بررسی روابط همنشینی و جانشینی میان «ربا» و دیگر واژگان قرآنی، میان اشارات قرآنی به وجود دو گونه متفاوت از ربا در فرهنگ عصر نزول تفکیک نهادیم؛ امری که برای سده‌های متمادی کمتر بدان توجه شده بود و بیش از هر جا، خود را در شکاف میان واژه‌های همنشین و جانشین هر یک از دو گونه نمایان می‌ساخت. چنان که دیدیم، شکاف میان همنشینهای ربا در کاربردهای مختلف، که خود را در تقابل میان اخذ و ایتاء نمایان می‌کند، شکاف میان جانشینهای این مفهوم را نیز در پی داشته است.

بدین سان، گونه نخست از ربا که با ایتاء همنشین است، با مفاهیمی چون زکات، صدقه، اجر و حق رابطه جانشینی دارد و با آنها حوزه معنایی مشترکی را شکل می‌دهد. اعضای این حوزه همگی به گونه‌ای از جابجایی ثروت اشاره دارند که نه تنها مستلزم وقوع ظلمی نیست؛ بلکه گاه افراد از این رهگذر به حق خویش نیز می‌رسند. از آن سو، گونه دوم ربا که با اخذ همنشین است، با مفاهیمی چون سُحت، بیع مُلهی و «أکل اموال الناس» رابطه جانشینی پیدا کرده، و حوزه معنایی دیگری را شکل داده است. این حوزه معنایی - خلاف حوزه معنایی سابق - اعضای را به دور هم گرد آورده است که همگی دلالت بر گونه‌ای از جابه‌جایی ظالمانه ثروت می‌کنند.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد، *التفسیر*، به کوشش اسعد محمد طیب، مکه، دار الباز، ۱۴۱۹ق.
- ۲- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، *البحر المحیط*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
- ۳- بی‌رویش، مانفرد، *زبان‌شناسی جدید*، ترجمه محمد رضا باطنی، تهران، آگاه، ۱۳۷۴ش.
- ۴- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، به کوشش محمد عبدالرحمان مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- ۵- پاکتچی، احمد، *گنج‌واژه قرآن کریم*، طرح پژوهشی مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای و علوم انسانی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲ش.
- ۶- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۷- سلمان نژاد، مرتضی، «معناشناسی تدبر در قرآن کریم با تکیه بر روابط همنشینی و جانشینی»، *صحیفه مبین*، شم ۵۲، سال هجدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش.
- ۸- سوسور، فردینان، *دوره زبان‌شناسی عمومی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۷۸ش.
- ۹- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- ۱۰- شیخ طوسی، محمد بن حسن، *التبیین*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۱- _____ *تهذیب الأحکام*، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۴ش / ۱۴۰۷ق.
- ۱۲- شیرزاد، محمد حسن، *مفهوم ربا در قرآن کریم مبتنی بر روشهای معناشناسی*

- ساختگرا و نقشگرا، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۳ ش.
- ۱۳- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- ۱۴- صفوی، کوروش، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۵- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
- ۱۷- طبری، محمد بن جریر، *التفسیر*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۸- عبدالباقی، محمد فؤاد، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، بازنشر قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۹- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، قاهره، المكتبة البهیه.
- ۲۰- فضل الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
- ۲۱- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، بیروت/ قاهره، دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۲- قمی، علی بن ابراهیم، *التفسیر*، به کوشش طیب موسوی جزایری، قم، دار الكتاب، ۱۳۶۷ ش.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳ ش/ ۱۴۰۵ ق.
- ۲۴- مراغی، احمد بن مصطفی، *التفسیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۵- مشکات الدینی، مهدی، *سیر زبان شناسی*، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۸ ش.
- ۲۶- مغنیه، محمد جواد، *الکاشف*، تهران، اسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

٢٨- موسوی سبزواری، عبدالاعلی، *مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة اهل البيت، ١٤٠٩ق.

- 29- Halliday, M. A. K. & Mathiessen C. M. I. M., *An Introduction to Functional Grammar* (3rd ed.), London, Hodder Arnold, 2004.
- 30- Heady, patrick, "Barter," *A Handbook of Economic Anthpology*, ed. J. Carrier, Northampton, Edward Elgar, 2006.
- 31- Hunt, Robert, "One - Way economic transfers," *A Handbook of Economic Anthpology* (See Above).
- 32- Palmer, F. R., *Semantics: A New Outline*, Cambridge, Cambridge University Press, 1976.
- 33- Strathern & Stewart, "Ceremonial Exchange," *A Handbook of Economic Anthpology* (See Above).
- 34- Yan, Yunxiang, "The gift & gift economy," *A Handbook of Economic Anthpology*, (See Above).